

بررسی اعجاز محتوایی و مؤلفه‌های آن در نگاه مفسران فریقین

در سیر اعصار

لطفعلی عبداللهی و اشان*

دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم
تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران

مجید معارف**

استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه تهران
(تاریخ دریافت: ۹۹/۴/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۹۹/۸/۱۷).

چکیده

یکی از وجوه اعجاز قرآن که در کتابهای تفسیر و علوم قرآنی مورد بحث واقع شده، اعجاز محتوایی است که در نگاه عده‌ای از آنان به اعجاز معنوی نیز تعبیر شده است. اعجاز محتوایی مرتبط با درون مایه قرآن است و توجه به آن در اثبات حقانیت این کتاب الهی نقش بسزایی دارد. به عقیده برخی قرآن پژوهان، نقطه پیدایش این نوع اعجاز، قرن اول هجری توسط امام علی^{علیه السلام} بوده و سیر طرح مباحث گوناگون درباره آن تا به امروز به صورت صعودی ادامه داشته است؛ به بیان دیگر، نگاه دانشمندان در دوره متقدمان به اعجاز محتوایی کم دامنه‌تر نسبت به دوره متأخران بوده است. در دوران معاصر این توجه بیشتر شده و غالب نظریه پردازان از جانب مفسران شیعه در چند بخش بر مؤلفه‌هایی نظیر عدم وجود اختلاف در قرآن، اخبار غیبی که نسبت به برخی وقایع یا افراد به وقوع پیوسته، معارف قرآنی، گزارش‌های علمی، جامعیت قرآن، معانی بلند عرفانی و بطون قرآن مطرح می‌شود. بنابراین این نوشتار میکوشد با رویکردی تحلیلی - توصیفی به بررسی اعجاز محتوایی و مؤلفه‌های آن در نگاه فریقین در سیر اعصار بپردازد.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، اعجاز محتوایی، مفسران، فریقین، بررسی تطبیقی، گزارش.

* Email: abdollahiali42@yahoo.com

** Email: maaref@ut.ac.ir (نویسنده مسئول)

مقدمه

به باور مسلمانان، قرآن کریم سند رسالت پیامبر ﷺ و معجزه الهی است. دانشمندان از قرون اولیه به بحث اعجاز و وجوه آن پرداخته‌اند. از این روست که اعجاز قرآن به عنوان به یکی از مباحث مهم موضوعات گفتمان قرآن پژوهی مبدل می‌شود و از آنجایی که در طول تاریخ برخی از اشکالات وارده بر قرآن ناظر به مسائل محتوایی بوده، از قضا بسیاری از دانشمندان تلاش کرده‌اند با واکاوی محتوای قرآن، اعجاز آن را در این مرتبه به اثبات برسانند. لذا موضوع این مقاله بررسی و گزارش اقدامات دانشمندان از قدیم تا به امروز با تاکید بر سیر تطور اعجاز محتوایی است که در دوره متقدمان توجه به اعجاز محتوایی کمتر و در دوران معاصر به اوج خود رسیده است. از این رو دانشمندان علوم قرآنی در مورد این نوع اعجاز، دیدگاه‌هایی ارائه نموده‌اند که در این مجال با کنکاش در سیر زمان از آغاز عصر نزول تاکنون سعی شده به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

۱. دانشمندان درباره اعجاز محتوایی قرآن چه دیدگاه‌هایی دارند؟

۲. مؤلفه‌های اعجاز محتوایی چیست؟

۳. دامنه اعجاز محتوایی با گذشت زمان از دوران متقدم تا معاصر چه سیری داشته است؟

در زمینه بررسی تطبیقی اعجاز محتوایی قرآن از منظر مفسران فریقین، می‌توان گفت با وجود اهمیت فراوان اعجاز محتوایی و وجود شبهاتی که در حال حاضر در زمینه محتوای قرآن مطرح است، در هیچ کتاب یا مجله‌ای به طور کامل و ویژه مورد پژوهش قرار نگرفته است. البته با جستجو در مقالات به مطالبی که غیرمستقیم به اعجاز محتوایی مرتبط است بر می‌خوریم؛ نگارنده به مطالبی که مشخصاً به اعجاز محتوایی پرداخته باشد دست نیافت، اما برخی از کتب^۱ و مقالاتی که ارتباطی با پژوهش حاضر دارند، می‌توان به مقاله‌ای تحت عنوان تأملی بر اعجاز تشریحی قرآن از عبدالکریم بهجت پور و حامد معرفت در دو فصلنامه تخصصی قرآن و علم در

۱. ر.ک: معارف و شریعتی نیاسر، ارتباط نهج البلاغه با قرآن: ۶۱-۵۵ و نیز ر.ک: خوبی، البیان: ۸۶-۸۵، معرفت، علوم قرآنی ص ۲۶۶-۲۶۸.

تیرماه ۹۱ نام برد که در آن به تشریح فراهایی از اعجاز تشریحی قرآن به صورت گذرا اشاره شده است و دیگری مقاله‌ای با عنوان مقدمه‌ای در اعجاز معنوی قرآن از عباس مصلاهی پور یزدی و سجاد محمد نام در مجله مطالعات قرآن و حدیث در زمستان ۸۹ که در آن اشارات جزئی به اعجاز معنوی قرآن داشته و نگاه تطبیقی ندارد، اما جدیدترین مقاله‌ای که به این موضوع پرداخته از حمیده حائری پور با نام اعجاز معنوی قرآن از دیدگاه صدرالمتالهین در سومین همایش ملی اعجاز قرآن در اردیبهشت ۹۵ است. نویسندگان در این مقاله صرفاً به تشریح اعجاز معنوی قرآن از دید یک دانشمند پرداخته است، اما آنچه در این تحقیق مورد واکاوی قرار گرفته است، بسیار متفاوت از مقالات قبلی می‌باشد؛ یعنی نگارنده در جستجوی سیر اعجاز محتوایی از منظر مفسران متقدم تا معاصر است که تلاش شده به تطبیق دیدگاه‌های صاحب نظران قرآنی و مقایسه آنها با یکدیگر بپردازد و از خلاء آن مؤلفه‌های اعجاز محتوایی تبیین گردد و در نهایت به هدف خود که اثبات قدسیت این کتاب الهی است نائل آید که از این حیث بدیع و نوآور هست.

۱. مفهوم‌شناسی

در این قسمت نخست معنای لغوی و اصطلاحی اعجاز و در ادامه به مفهوم اعجاز محتوایی از دیدگاه مفسران پرداخته می‌شود.

۱-۱. اعجاز

لغت شناسان اعجاز از ریشه (ع ج ز) را به دو معنای ضعف و ناتوانی و کناره و انتهای یک چیز معنی نموده‌اند (ر.ک: ابن فارس، [بی تا]، ج ۴: ۲۳۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۵۴۷) و به عقیده مفسران انسان عاجز شمرده می‌شود؛ چراکه در پایان به واماندگی و ناتوانی می‌رسد (ر.ک: طبرسی، [بی تا]، ج ۵: ۲۸۷). لذا از مفهوم عجز، ضعف و ناتوانی فهمیده شده، گرچه که ضعف و ناتوانی جزء معنای عجز نبوده است. بدین جهت اعجاز در لغت به معنای ایجاد عجز و درماندگی در طرف مقابل است و معجزه آن فعلی است که دیگران از آوردن آن عاجز و ناتوان

هستند؛ بنابراین در بررسی دیدگاه مفسران، معجزه امری خارج از عادت که بر ماوراء طبیعت تسلط یافته، تفسیر می‌شود و به عبارت دیگر معجزه ابطال‌کننده عقل همانند سحر و جادو نیست (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۷۲؛ سیوطی، [بی‌تا]، ج ۴: ۳). از این حیث دانشمندان قرآنی معنای اصطلاحی اعجاز را ضعف و ناتوانی که بشر از آوردن نظیر قرآن عاجز و ناتوان است تعریف نموده‌اند (ر.ک: قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۲۶۳؛ جعفری، ۱۳۷۶، ج ۳: ۲۹۴).

۱-۲. اعجاز محتوایی

اعجاز محتوایی در دیدگاه دانشمندان مرتبط با درون مایه قرآن است و شامل محورهای هدایتی، قانونگذاری، گزارش‌های غیبی، اخبار علمی، انذار، ترغیب، قوانین جنگ و دفاع، تعیین حقوق فردی و اجتماعی، مسائل تربیتی و اختلاف‌ناپذیری محتوای قرآن است (ر.ک: کمالی دزفولی، ۱۳۹۲: ۵۹۴). محتوای این کتاب گرانقدر ویژگی‌هایی دارد که نشان می‌دهد از قلم هیچ دانشمندی تراوش ننموده است، چه رسد به شخصی که قبل از آن چیزی ننوشته و آموزشی ندیده است. اساساً قرآن کریم در چنان اوجی از معنا قرار دارد که اگر همه انسان‌ها یکدیگر را کمک کنند نمی‌توانند حتی سوره‌ای مانند آن بیاورند. این نوع اعجاز با تعبیر اعجاز معنوی نیز در آثار برخی دانشمندان دیده می‌شود. به عنوان مثال شهید مطهری، اعجاز قرآن را به دو نوع اعجاز لفظی و معنوی تقسیم بندی نموده است (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۶، ج ۴: ۵۴۰). به عقیده علامه طباطبایی، اعجاز محتوایی آن‌گونه که شایسته است و در قرآن و سنت بر آن تأکید شده، در آرای دانشمندان اسلامی منعکس نشده است، علامه از کسانی که فقط به فصاحت و بلاغت به عنوان وجوه اعجاز تأکید کرده‌اند انتقاد می‌کند و می‌گوید:

دانش‌پژوهان از صدر اول تا به امروز در مسئله اعجاز قرآن اکتفاء کرده‌اند به بلاغت و فصاحت آن و در این باره کتابها نوشته و رساله‌ها تالیف کرده‌اند و همین باعث شده که از تدبر در حقایق قرآن و تعمق در معارف آن باز مانند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۰: ۹۴).

در عین حال با جست‌وجو در سخنان علمای مسلمان ابتدا اشاره‌ها و گاه مباحثی سودمند در

باب اعجاز محتوایی قرآن یافت می‌شود اما در سیر پیشرفت زمانی و با گسترش علوم مختلف اسلامی بسیاری از عالمان شیعه و اهل سنت بر معارف قرآن به عنوان یکی از وجوه اعجاز، در کنار سایر وجوه تأکید داشته‌اند تا آنجا که عده‌ای اهمیت اعجاز محتوایی را آن چنان مهم دانسته که توجه خود را به‌طور کامل معطوف اعجاز قرآن تنها از حیث علوم و معارف نموده و بر خلاف سیر عرفی جنبه‌های ادبی و زبانی اعجاز، آن را در قیاس با اعجاز محتوایی قابل مطرح کردن ندانسته‌اند. باید توجه داشت که برداشت همه مدافعان اعجاز محتوایی از اعجاز و چیستی علوم معجزه‌گر قرآن با توجه به گرایش‌ها و هسته فکری خود یکسان نیست.

۲. سرآغاز پیدایش مباحث اعجاز قرآن در میان متکلمان

با جستجو در کتب تاریخی، ثابت می‌شود که آغاز پیدایش اعجاز محتوایی به سخنان امام علی^ع بر میگردد (ر.ک: سید رضی، خ ۱۸ و ح ۳۱۳). چنانکه گذشت مباحث مربوط به اعجاز قرآن در بین مسلمانان از اواخر قرن سوم ابتدا در بین متکلمان به جهت دفاع از صیانت قرآن و سپس در بین مفسران به جهت توضیح ذیل آیات تحدی آغاز شده است و چنانچه خواهد آمد، این دانشمندان در آغاز در مورد ویژگی‌های لفظی قرآن از جمله فصاحت و بلاغت سخن گفته و به تدریج متوجه برخی از مسائل معنوی و محتوایی قرآن هم شده‌اند که نام پاره‌ای از صاحب‌نظران و متکلمین هر مقطع بدین شرح است.

ردیف	متکلم عصر	قرن	مذهب	ردیف	متکلم عصر	قرن	مذهب
۱	امام علی ^ع	اول	شیعه	۵	خطابی	چهارم	سنی
۲	فراء	دوم	سنی	۶	رمانی	چهارم	سنی
۳	ابن قتیبه دینوری	سوم	سنی	۷	شیخ مفید	پنجم	شیعه
۴	جاحظ	سوم	سنی	۸	باقلانی	پنجم	سنی

۳. تحلیل اعجاز محتوایی و مؤلفه‌های آن در نگاه عالمان و دانشمندان

اگرچه اعجاز قرآن کریم مورد قبول و توافق متکلمان فریقین است، اما در وجوه آن اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی مفسران آن را بیرونی (ر.ک: سیدمرتضی، ۱۳۸۲: ۹۳) و برخی دیگر از مفسران، آن را درونی دانسته‌اند (ر.ک: سبزواری نجفی، ۱۴۰۶، ج ۲: ۲۱۶؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱: ۷۲) و از این رو وجوه اعجاز قرآن کریم را به لفظی و معنایی تقسیم نموده‌اند. در تحلیل و بررسی دیدگاه‌های متکلمان می‌توان گفت آنچه نظر متقدمان (قرن یکم تا پنجم) را بیشتر به خود معطوف داشته بحث اعجاز لفظی از حیث بلاغت و فصاحت است که این امر در سیر زمان و تدریجاً به سمت اعجاز محتوایی سوق داده شده است که برخی از اهم این مؤلفه‌ها بدین قرار است:

۳-۱. اختلاف‌ناپذیری

مفسران فریقین یکی از مؤلفه‌های اعجاز محتوایی قرآن را اختلاف‌ناپذیری آن دانسته‌اند. ادعای اختلاف در قرآن یکی از مهم‌ترین شبهات معاندان درباره قرآن بوده است، به همین سبب مفسران در قرن‌های مختلف همواره جهت نفی وجود اختلاف در قرآن سخن گفته و عدم اختلاف در قرآن را به عنوان وجهی از اعجاز محتوایی مفصل بحث کرده‌اند. به نظر می‌رسد اولین کسی که در این زمینه رهنمودی ارائه داده، امام علی علیه السلام است؛ آنجا که در وصف قرآن می‌فرماید: «... و انه لا اختلاف فيه فقال سبحانه «وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء/ ۸۲): در قرآن اختلافی نیست. خدای سبحان فرمود: اگر قرآن از طرف غیر خدا نازل می‌شد، اختلافات زیادی در آن می‌یافتند (سید رضی، خ ۱۸).

اختلاف‌ناپذیری یک مفهوم کلی است و لفظ و محتوا را در برمی‌گیرد، البته می‌دانیم که قرآن درباره مسائل گوناگون از جمله احکام و قوانین، مواعظ، اسرار آفرینش، نصایح، آداب و سنن، بحث‌های سیاسی و اجتماعی و مباحث توحید با بندگان سخن می‌گوید و جالب است که هیچ اختلافی در صدر و ذیل آیات هم به لحاظ محتوا و هم لفظ دیده نشده است،

درحالی که هرگز نوشته‌های یک نویسنده در طول زندگی یکسان نیست، اما قرآن با اینکه در طول ۲۳ سال نازل شده، اختلافی در محتوای آن دیده نمی‌شود. مفسران معتقدند که آیه «وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء/ ۸۲). بیانگر یکی از مؤلفه‌های اعجاز محتوایی قرآن یعنی اختلاف‌ناپذیری است. جصاص (م ۳۷۰ ق) در ذیل آیه فوق به بحث اعجاز اشاره می‌کند. وی می‌گوید:

اختلاف سه گونه است: اختلافی که موجب تناقض یکی از دو طرف شود و اختلافی که موجب تفاوت یکی نسبت به دیگری شود... این دو نوع اختلاف در قرآن وجود ندارد و همین عدم اختلاف یکی از دلالت‌های اعجاز آن است؛ چراکه سخن فصحاء و بلغاء هرگاه طولانی شود مثل سوره‌های طولانی قرآن، بدون تفاوت نخواهد بود. سومین جنبه اختلاف، اختلاف تلائم است. بدین معنا که همه قرآن در حسن متلائم باشد مانند اختلاف قرائات، تعداد آیات، اختلاف احکام در ناسخ و منسوخ (جصاص، ۱۴۰۵، ج ۳: ۱۸۲).

این نظر در دوران بعد در نظرات تفسیری سایر مفسران فریقین نیز مطرح شده است (ر.ک: باقلانی، ۱۴۰۶: ۶۰؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۱: ۴۳۸). از نظر فخر رازی نیز چند ویژگی در میان ویژگی‌های اعجاز از همه مهم‌تر است که یکی از آنها خالی بودن از تمام عیب‌هاست (ر.ک: فخر رازی، ۱۹۸۹: ۸۷). پایه‌های استدلال به این آیه از دید دانشمندان این چنین است: هیچ متکلمی کلامی طویل نمی‌گوید مگر اینکه در آن اختلاف زیادی مشاهده می‌شود، خواه اختلاف در وصف باشد و خواه در لفظ و خواه این اختلاف موجب تناقض در معنا شود یا شامل مواردی ناهمسان باشد یا اینکه امکان معارضه با آن باشد (ر.ک: ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۳: ۷۲۶). از طرف دیگر چون در قرآن سوره‌های طولانی وجود دارد و چنین اختلافاتی در آن نیست؛ پس قرآن معجزه است. بحث اختلاف‌ناپذیری قرآن در دوره متأخران در آثار دانشمندان چون (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۵۴۰؛ راوندی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۹۷۱) دیده می‌شود. مفسران معاصر^۱ نیز به بحث عدم اختلاف قرآن در ذیل آیه ۸۲ سوره نساء اشاره کرده‌اند و معتقدند: قرآن کریم مطالب علمی در

۱. ر.ک: رشید رضا، ۱۹۹۰، ج ۱: ۱۹۸، خوبی، ۱۴۰۱: ۶۸، عرفان، ۱۳۷۹: ۱۰۶.

موضوعات مختلفی چون اخلاقیات، اجتماعیات، قوانین سیاسی، مدنی و فلسفی دارد و با اینکه به بهترین وجه و اسلوب در این عرصه و در جهت بیان این علوم، ورود پیدا کرده است، اما هیچ لغزش و اشتباهی در این زمینه نداشته است (ر.ک: بلاغی، ۱۴۲۰، ج: ۱: ۱۴).

۱-۱-۳. استواری مطالب

برخی دانشمندان معاصر از اختلاف‌ناپذیری قرآن با تعبیر استواری در بیان نیز سخن گفته‌اند و از آنجاکه در دوران معاصر، برخی پریشانی و اختلاف را به قرآن نسبت داده‌اند، شماری از دانشمندان در تلاش برآمده‌اند، استواری مطالب قرآن را به عنوان یکی از مؤلفه‌های اعجاز محتوایی به اثبات برسانند، دانشمندانی چون (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج: ۱۲: ۱۹۱؛ تبریزی، ۱۴۱۷، ج: ۲: ۴۶۰؛ جوادی آملی، ۱۳۸۴، ج: ۱: ۱۴۰) در این میان مطالبی دارند که دیدگاه برخی از مفسران این است که یکی از وجوه اعجاز قرآن استواری مطالب آن است که علاوه بر اینکه حقیقت است خدشه‌ناپذیر نیز هست و علت آن این است که این مطالب مافوق توان بشری است. مبحث دیگر این است که قرآن کریم با وجود اینکه در موضوعات گوناگون از جمله: سیاست، اخلاق، مبدأ و معاد، مسائل عبادی، تاریخی، معاملات، مسائل خانوادگی، حدود و... مطالبی ارائه نموده است، لکن با گذشت روزگار، مطالب قرآن مورد توجه متخصصان در هر رشته‌ای قرار گرفته و بر آن صحه گذاشته‌اند (ر.ک: خویی، ۱۴۰۱: ۸۰). از دید برخی دیگر از مفسران اعجاز قرآن برای این است که معانی عالی‌ای که اراده خداوند و روح حیات بخش است در قالب برترین و استوارترین عبارات آمده است. اگر اعجاز قرآن برای بلاغت آن بود تنها برای عرب یا فصحاء عرب معجزه بود با آنکه قرآن برای همه و همیشه دارای سر اعجاز است، علماء و مفسرین هرکدام به ذوق خود اعجاز قرآن را از جهتی دانسته‌اند؛ مانند بلاغت، پیشگویی، معارف و علوم جهانی، قوانین و اصول حیاتی، دلربایی. هر یک از این جهات معجزه است؛ مانند شکل و آثار و خواص و نظم و نمو و تولید که هر یک معجزه خلقت در موجودات زنده است ولی همه اینها اثر و ظهور سر حیات در عناصر است. همین سر حیات است که عناصر مستعد را فرا آورده

و در هم می‌آمیزد و به صورت و شکل و نظمی درمی‌آورد که پیش از این فاقد آن بودند و عناصر غیر مستعد را بر کنار و جدا می‌سازد، این سر حیات روح و فرقان است، چنان‌که قرآن روح و فرقان نامیده شده، چون قابل و ناقابل را جدا و ممتاز می‌گرداند. آیات محکم قرآن درباره اسرار سعادت و شقاوت، هدایت و ضلالت، امور نفسانی و روانی، اخلاقی و اجتماعی و بیان مبادی و غایات خلقت و روابط عمومی جهان و خلق و خالق، اعمال و آثار ملکات و آداب و تشریح و نظامات، معجزه علمی و عقلی است (ر.ک: طالقانی، ۱۳۸۹، ج: ۱: ۹۰). همان طور که ملاحظه شد دانشمندان مذکور به این نکته اذعان داشتند که قرآن کریم از هرگونه کاستی و عیب تهی است و با اینکه در موضوعات مختلف سخن رانده است، اما در صدر و ذیل مطالب هیچ اختلافی دیده نمی‌شود که نشان می‌دهد، اصلاً تصور وجود اختلاف در قرآن یک توهم نادرست است که نشئت گرفته از عدم اندیشه صحیح در قرآن است.

۲-۳. اخبار از غیب

مؤلفه دوم اعجاز محتوایی، اخبار قرآن از غیب است. غیب در مقابل شهود به کار می‌رود و به هر آنچه از عالم محسوسات خارج است، اطلاق می‌گردد (ر.ک: ابن منظور، ۱۴۱۴، ذیل ماده غیب). قرآن مجید در بخشی از آیات درباره امور مهم مربوط به آینده و حوادث و وقایعی که بعداً واقع می‌شود خبر داده است، چنانکه از مجرای غیب، حوادث و سرگذشت‌های پیشینیان را هم برای پیامبر ﷺ بازگو می‌کند و لذا پس از ذکر سرگذشت نوح می‌فرماید:

تَلُكْ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَ لَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا ...: اینها از خبرهای غیبی است که آن را به تو وحی می‌کنیم نه تو و نه قوم تو آنها را پیش از این نمی‌دانستید ... (هود/۴۹).

در اینجا نیز امام علی علیه السلام می‌فرماید: «و في القرآن نبأ ما قبلكم و خير ما بعدكم ...: در قرآن خبرهای پیشینیان شماست و خبرهای آنان که بعد از شما می‌آیند ...» (سید رضی، ح ۳۱۳). اکثر دانشمندی که در باب اعجاز سخن گفته‌اند به اخبار از غیب به عنوان یکی از وجوه مهم

اعجاز اشاره کرده‌اند. تا جایی که نظام معتزلی که معتقد به صرفه بود در کنار آن، اخبار از غیب را نیز به عنوان یکی از وجوه اعجاز قلمداد کرده است (معرفت، ۱۴۲۸، ج ۲: ۸۲). این بعد از اعجاز در دوره متقدمان، مورد قبول دانشمندانی چون باقلانی (م ۴۰۶ق)، شیخ مفید (۴۱۳ق)، شیخ طوسی (۴۶۰ق)، عبدالقاهر جرجانی (۴۷۱ق) قرار گرفته است که به دو نمونه اشاره می‌شود. باقلانی سه مورد از وجوه اعجاز قرآن را بیان می‌دارد که یکی از آن وجوه، امور غیبی است (ر.ک: باقلانی، ۱۴۰۶: ۵۷). شیخ مفید اعجاز قرآن را در اعتقاد به «صرفه» می‌داند، اما یکی از وجوه اعجاز قرآن را اخبار غیبی می‌داند. مجلسی در بحارالانوار دیدگاه شیخ مفید را درباره اعجاز قرآن چنین بیان کرده است: «اعجاز قرآن از نظر اکثریت دانشمندان و خصوصاً شیخ مفید در فصاحت و بلاغت شگفت‌انگیز آن و وجود اخبار غیبی در قرآن است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۷: ۲۲۴). بحث اخبار از غیب در دوره متأخران، در آثار دانشمندانی چون (ر.ک: طبرسی، [بی‌تا]، ج ۸: ۷۲۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۱: ۷۵؛ ابن جزی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۲۳۵)؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۱۷۳) یافت می‌شود. همه این مفسران به مصادیق اخبار از غیب در قرآن اشاره کرده‌اند. طبرسی اعجاز قرآن را فقط در نظم و فصاحت خلاصه نمی‌کند، بلکه موارد دیگر و از جمله اخبار غیبی را نیز از وجوه اعجاز قرآن می‌شمارد (ر.ک: طبرسی، [بی‌تا]، ج ۱: ۱۲۶). راوندی پس از آنکه آرای متکلمان مسلمان را در بیان وجوه اعجاز قرآن می‌آورد یکی از آن وجوه را اخبار از غیب می‌داند (ر.ک: راوندی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۹۸۱). محمدبن احمد قرطبی معتقد به وجوه چندگانه‌ای برای اعجاز قرآن است که یکی از آنها اخبار از غیب است (ر.ک: قرطبی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۵۴). در دوره معاصران تعداد بیشتری از مفسران اظهار نظر کرده‌اند، که دو نمونه بیان می‌شود: برخی معتقدند: در وجود اخبار غیبی در قرآن شکی وجود ندارد، همان اخباری که باتوجه به وضعیت اجتماعی اعراب جاهلی مورد قبول آنها نبود، ولی گذشت زمان، صحیح بودن آن را اثبات کرد (ر.ک: بلاغی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۱۶). به باور عده‌ای دیگر وجود اخبار غیبی در قرآن

۱. ر.ک: زرقانی، ۱۳۸۵: ۹۵، قزوینی، ۱۳۴۰، ج ۲: ۲۰۶، طالقانی، ۱۳۸۹، ج ۱ ص ۹۰، شعراوی، ۱۳۸۷: ۳۵، عرفان، ۱۳۷۹: ۱۰۶).

از مسائل صادق است. البته دسترسی به آنها فقط از طریق وحی و نبوت امکان‌پذیر بوده است (ر.ک: خویی، ۱۴۰۱: ۸۲). همانطور که ملاحظه شد، اعتقاد به اخبار از غیب، وجه مشترک اکثر مفسران است. تنها تفاوت کمی در اینجا وجود دارد. به عبارت دیگر هر چه از دوره متقدمان گذر می‌کنیم، توجه به اخبار از غیب خصوصاً در دوره معاصر از گستره بیشتری برخوردار است.

۳-۳. اعجاز قرآن از بعد معارف آن

معارف قرآن مسائل مطروحه در قرآن کریم را از جنبه محتوایی مورد بررسی قرار می‌دهد و با مطالب درونی قرآن سروکار دارد. در این زمینه پاره‌ای از مفسران مطالبی دارند (ر.ک: بروجردی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ ج ۱: ۹۵؛ طالقانی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۲۷۸؛ مصباح یزدی، ج ۶: ۷۲). که به عنوان نمونه قزوینی به طور مفصل مطالبی را درباره اعجاز محتوایی قرآن بیان داشته و باور ایشان بر این است که یکی از وجوه اعجاز قرآن، معارف این کتاب آسمانی است. وی بر این باور است که معارف قرآن کریم خصوصیات ویژه‌ای دارد که از عهده کسی ساخته نیست و این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: ۱- جامعیت علوم قرآن ۲- دارابودن بر علوم و قوانین تشریح ۳- اشمال قرآن بر علم غیب ۴- جامعیت بیانی آیات ۵- عدم تناقض در علوم و معارف قرآن (ر.ک: قزوینی، ۱۳۴۰، ج ۲: ۲۰۶). برخی دیگر بر این باورند که معارف قرآنی از اموری است که خارج از توان بشر است و خداوند در آیات قرآن اشاره دارد به اینکه پیامبر ﷺ «امی» است؛ در عین حال کتابی آورد که مملو از معارف گرانقدر بود، کتابی که موجب شگفتی دانشمندان شده است و بر فرض اینکه او غیرامی بود و این معارف را از دانشمندان آن عصر آموخته بود، آیا نباید خود آنها از آن معارف به شکل بهتر برخوردار بودند؟ در حالی که به گواهی تاریخ، آنها غرق در خرافه بودند و همین طور اگر پیامبر ﷺ معارف کتاب آسمانی خود را از کتب عهدین آن روز اخذ کرده باشد، آیا نمی‌باید معارف قرآن، چکیده‌ای از مباحث همان کتب باشد، در حالی که مطالب قرآن با عهدین در تناقض است و معارف قرآن از خرافاتی که در عهدین است منزّه می‌باشد. ایشان به مواردی از معارف قرآن اشاره می‌کند و آنها را با عهدین قیاس می‌کند تا ثابت کند که امکان ندارد قرآن

برگرفته از عهدین باشد؛ مانند: صفات خداوند که در قرآن کریم از هر نقص و عیبی میراست؛ آن گونه که می فرماید:

وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَهٗ قَانُونٌ: یهود و نصاری گفتند، خداوند فرزندی برای خود گرفته است. منزه است او، بلکه آنچه در آسمان‌ها و زمین است، متعلق به اوست و همه چیز در برابر او فروتنی دارند (بقره/۱۱۶).

لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ: چشم‌ها او را در نمی‌یابند، ولی او چشم‌ها را در می‌یابد و او لطیف و آگاه است (انعام/۱۰۳).

خویی به تعدادی از آیات در وصف انبیاء نیز اشاره و مطالبی از عهدین را در قیاس با آنها بیان می‌کند که ناشی از استواری معارف قرآنی دارد و اینکه عهدین نمی‌تواند منبع اطلاعاتی رسول خدا باشد و براین‌باور است که غیرممکن است فردی حکم کند که پیامبر ﷺ معارف قرآن را از وهمیات عهدین اخذ نموده باشد (ر.ک: خویی، ۱۴۰۱: ۵۴ و ۶۷)؛ نتیجه اینک: ۱. معارف قرآن متفاوت از دانش‌های بشری است. ۲. از طرف فردی آمده که خودش امی و درس نخوانده است. ۳. اختلاف در معارف راه ندارد. ۴. این معارف، الهی است؛ بنابراین بخشی از این معارف را که فهمیده‌ایم دلالت بر اعجاز قرآن می‌کند ولی بخشی از آن را هنوز نفهمیده‌ایم و شاید در آینده کشف شود.

۱-۳-۳. بواطن قرآن

لغت‌شناسان باطن را به معنای پنهان در برابر آشکار تلقی نموده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۵۱) و مراد از باطن قرآن کریم را معانی دانسته که آیات قرآن به آن‌ها اشاره پنهان دارد. در اینجا نیز امام علی علیه السلام می‌فرماید: «و ان القرآن ظاهره انیق و باطنه عمیق: همانا قرآن دارای ظاهری زیبا و باطنی ژرف و ناپیداست» (سید رضی، خ ۱۸). تلقی دانشمندان علوم قرآنی در زمینه بطون قرآن دو گونه است: عده‌ای معتقدند: بطن قرآن اشاره باطنی کتاب الله می‌باشد؛ به بیان دیگر برداشتهای همه جانبه است که صرف نظر از قراین دیگر، از متن قرآن به دست می‌آید (ر.ک: دهقان، ۱۳۸۶، ج ۲: ۲۹) و عده دیگر براین‌باورند که باطن قرآن معارفی است که خداوند متعال از آیات قرآن کریم اراده

نموده است (ر.ک: بابایی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۶) در عین حال در اصل وجود باطن برای قرآن کریم اختلافی بین دانشمندان وجود ندارد و اگر اختلافی وجود دارد در مفهوم اصلی باطن است (ر.ک: زرکشی، ۱۹۵۷، ج ۲: ۱۶۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۴: ۳۰۱؛ بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۲۷۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳: ۷۴). بعضی باطن هر آیه را عمل کردن (ر.ک: طوسی، [بی تا]، ج ۱: ۹). برخی دیگر برداشت و فهمیدن (ر.ک: بغوی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۳۵). عده‌ای دیگر اندرز و موعظه (سیوطی، ۱۴۲۱، ج ۲: ۱۲۲۰) یا رمز و رموز خداوند (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۷) دانسته اند. اسامی جاودانگی قرآن هم در اخذ بطون قرآن و هم بهره‌گیری از آن در امور است؛ چون یکی از بواطن قرآن، حفظ وحدت است و یگانگی احکام ظاهری قرآن در تمام اعصار، سمبل وحدت تلقی می‌شود، از این رو بواطن قرآن اصل است و ظواهر آن فرع محسوب می‌شود. بنابراین در تلقی صاحب نظران هر بیان لفظی قرآن برخاسته از یک معرفت کلی و هر معرفت کلی برآمده از یک معرفت کلی‌تر است تا برسد به اصل و بواطن قرآن که در لوح محفوظ است و همه معارف از آن سرچشمه گرفته است (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳: ۶۳-۶۴). باطن قرآن به مثابه اقیانوسی است که خیلی از مطالبی که حتی به فکر ما خطور نمی‌کند در آن موجود است. برخی معتقدند هیچ اختلافی در بواطن قرآن مشاهده نمی‌شود (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۱: ۴۱۰) و در روز قیامت به شکل انسان زیبارو جلوه می‌کند و وقتی از همه عبور می‌کند برخی آن را از پیامبران میپندارند و گروهی از شهداء، تا اینکه به محضر خداوند می‌رسد و عده‌ای از شفاعت آن بهره‌مند می‌شوند (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۳۷). البته فهم بطون قرآن از دسترسی افراد ناپاک مستور می‌ماند و کسانی در این مسیر موفق می‌شوند که مهذب به تقوای الهی باشند که همان راسخان در علم هستند (ر.ک: معرفت، ۱۳۷۹، ج ۱: ۹۹؛ قرضاوی، ۱۳۸۲: ۲۸۸؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۳۱؛ بابایی، ۱۳۸۱: ۱۸۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۲۶: ۱۲). همانطور که ملاحظه شد، توجه به بطون قرآن از دوره دانشمندان متقدمی چون شیخ طوسی و بغوی شروع و هر چه به دوران معاصر نزدیک می‌شویم، بطون قرآن به عنوان یکی از مؤلفه‌های اعجاز محتوایی از اقبال بیشتری نزد مفسران برخوردار می‌شود.

۲-۳-۳. مضامین عالی

مضامین عالی به عنوان یکی از مؤلفه‌های اعجاز محتوایی است. دانشمندان متقدم، تمرکز اصلی آنها بر سایر وجوه اعجاز قرآن و خصوصاً فصاحت و بلاغت بود و به مبحث اعجاز محتوایی قرآن به عنوان اصل نگاه نمی‌کردند، دلیل آن این است که در دوره متقدمان وجه شاخص و ملموس اعجاز همان جنبه‌های ادبی بود و نه خبری از نقدهای محتوایی به قرآن بود و نه اثری از مستشرقان و اشکالات متعدد آنان به قرآن و جنبه‌های محتوایی آن بود که بخواهند پاسخ انتقادات آنها را بدهند، طبیعی است که بیشتر همشان پرداختن به فصاحت و بلاغت قرآن به عنوان وجهی از اعجاز بود. البته در لابلای سخنان آنها به‌طور کمرنگ موضوع اعجاز محتوایی دیده می‌شود. توجه به بعد مضامین عالی قرآن، در عصر متأخران نسبت به دوره قبل خودش یعنی عصر متقدمان گستره بیشتر و جایگاه بهتری پیدا نموده است و دانشمندان این دوره بیشتر از متقدمان به اعجاز محتوایی پرداخته‌اند طوری که توجه به اعجاز محتوایی و مؤلفه‌های آن از دامنه وسیع‌تری برخوردار شده است. برخی از دانشمندان معتقدند که اعجاز قرآن به معانی آن است (ر.ک: ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۱: ۱۰۶؛ صدرالمتألهین شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۱۲). اینک به چند مورد از مهم‌ترین دیدگاه‌های دانشمندان اشاره می‌شود: عده‌ای براین‌یاورند که قرآن کریم حاوی معانی سرشار و عظیم است (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ۵؛ شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۴۶۳). برخی دیگر معتقدند اعجاز قرآن به محتوا و مضمون است یعنی در امر، نهی، وعده، وعید و... (ر.ک: فیروزآبادی، [بی‌تا]: ۶۸) و از دیدگاه برخی دیگر یکی از وجوه اعجاز قرآن کریم معانی ظریف آن است و همچنین در برداشتن اسرار دانش‌ها و در نهایت اعجاز در ساخت و محتوا (ر.ک: شربینی، [بی‌تا]: ۲). همان‌طور که بیان شد، برخلاف دوره متقدمان، دیدگاه‌های متأخران به‌طور ملموس‌تری به اعجاز محتوایی قرآن اشاره دارد که این‌طور استنباط می‌شود نگره اعجاز محتوایی نزد دانشمندان متأخر شتاب بیشتری گرفته است و دلیل آن این است که مسلمانان اندک‌اندک از روش درست فاصله گرفته و انواع بدعت‌ها ظهور و بروز پیدا کرد، علاوه بر این خرافات بنی اسرائیل و جعل احادیث رواج پیدا کرد که حق از باطل قابل تشخیص نبود، اینجا بود که گرایشها

به سمت اعجاز محتوایی بیشتر از گذشته نمود پیدا کرد.

۳-۳-۳. معانی بلند عرفانی

عرفان در لغت یعنی شناخت و اصطلاحاً نام علمی است از علوم الهی که موضوع آن شناخت خدا و صفات اوست (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل ماده عرفان). در زمینه معانی عرفانی، دانشمندانی چون (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۶، ج ۲۳: ۲۹؛ سجادی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۱۶) مطالبی ارائه نموده‌اند که به عنوان نمونه از دید برخی از دانشمندان، مهم‌ترین وجه از اعجاز قرآن «معانی بلند عرفانی» است و دیدگاه آنها این است که کتاب قرآن در شرایطی فرو فرستاده شد که محیط آن عصر غبارآلود و افراد جاهل در آن روزگار به سر می‌بردند و سر اعجاز قرآن در این است که این کتاب، معارفی بی‌سابقه آورد، به عنوان مثال مطالب عرفانی که قرآن آورد حتی فیلسوفانی مثل افلاطون و ارسطو که از فلاسفه سرآمد آن عصر بودند از دستیابی به آن ناتوان بودند؛ آنها درباره منزلت حقایق عرفانی قرآن براین باورند که قرآن کریم آن چنان مطالب نغز از حقایق و لطایف بیان می‌دارد که عقول اهل عرفان را شگفت زده می‌کند و این اعجاز بزرگ این کتاب آسمانی است و معتقدند که بشر به خاطر جنبه عرفانی قرآن، علاوه بر اذعان به بزرگی این کتاب از آوردن مثل آن احساس ناتوانی نموده است و باور دارند که قرآن کریم، خودش ویژگی اعجازش را به بشریت در تمام دورانها اعلام نموده که انس و جن توانایی مقابله به مثل با این کتاب را ندارند و حتی در زمان ما هم ملت‌های مسلمان اعلام می‌کنند که هر فردی مانند آن کتاب را بیاورد همگی تسلیم او خواهند شد (ر.ک: خمینی، ۱۳۷۱: ۲۴). از دید برخی دیگر از دانشمندان اهل عرفان خواسته‌اند با تأویل ظاهر قرآن، به باطن آن پی ببرند؛ ولی میزان موفقیت آنان، به مراتب استعداد و مقدار قابلیت ایشان برای دریافت فیض بستگی دارد. برخی نسبتاً و برخی کاملاً موفق‌اند؛ برخی نیز کاملاً ناموفق و گمراهند و از ویژگی‌های مطالب عرفانی، جهت‌گیری مشخص آن به سوی تهذیب نفس و آراسته‌شدن به مکارم اخلاق است (ر.ک: معرفت، ۱۳۹۱، ج ۲: ۳۶۹). بنابراین ذکر چند نکته در این بخش حائز اهمیت است: ۱- مطالب عرفانی آورده شده از سوی قرآن مایه

شگفتی شده است. ۲- فلاسفه مشهور مثل ارسطو و افلاطون هم در برابر مطالب عرفانی قرآن احساس عجز نموده‌اند. ۳- از ثمرات اعجاز عرفانی رشد قابلیت‌های اخلاقی در انسان است. ۴- باب آوردن مطالب عرفانی همسنگ قرآن هنوز هم باز است و هرکس در این زمینه ادعایی دارد می‌تواند به آن ادعا جامه عمل بپوشاند ولی تاکنون فردی به موفقیتی در این زمینه نائل نشده است.

۳-۴. اعجاز علمی

یکی از وجوه اعجاز قرآن که بیشتر در دوران معاصر به آن توجه شده، اعجاز علمی آن است. منظور از علم، علوم تجربی مثل زیست، فیزیک، شیمی و علوم انسانی است. اعجاز علمی یعنی قرآن کریم از مطلبی علمی سخن گفته که هیچ کس قبل از نزول قرآن از آن مطلع نبوده است و بعدها دانشمندان از اسرار آن پرده برداشته‌اند. اعجاز علمی قرآن موافقان و مخالفانی دارد، نظر معتدل در اعجاز علمی قرآن این است که از قطعیات علوم تجربی می‌توان برای فهم بهتر آیات قرآن بهره برد. عده‌ای از دانشمندان معاصر در مطالعه ابعاد اعجاز قرآن به اعجاز علمی اشاره کرده‌اند که می‌توان به (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴: ۲۷۵؛ شریعتی، ۱۳۴۶، ج ۱: ۱۱؛ طالقانی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۰۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۱۰: ۱۱۰) اشاره کرد؛ به عنوان نمونه دیدگاه برخی دانشمندان این است که اعجاز علمی قرآن مربوط به اشاره‌هایی است که ما از لابلای آیات قرآن متوجه می‌شویم و گرنه هدف اصلی قرآن بیان مسائل علمی نبوده است زیرا قرآن هدایت‌کننده است و مهم‌ترین هدفش یاد دادن راه‌های سعادت و خوشبختی به انسان است و اگر گاهی در این کتاب شریف به مسائل علمی برخورد می‌کنیم به این دلیل است که این سخنان از منبع ذات لایزال الهی سرچشمه گرفته است و البته طبیعی است هر استادی حتی اگر نخواستند باشد صوفادر رشته تخصصی خود سخن بگوید، از لابلای گفتارش عباراتی بیان می‌شود که ناشی از رشته تخصصی اوست. مثل اینکه یک فقیه وقتی درباره یک موضوع عادی سخنرانی می‌کند، کسانی که با فقه مأنوس هستند از جملاتش این‌طور برداشت می‌کنند که او فقیه است حتی اگر نخواستند که فقیه بودن او در ادبیاتش مشخص شود. اشارات علمی قرآن نیز چنین است و

هدف اصلی قرآن بیان این‌گونه مسائل نبوده است. اینک به نمونه‌ای از اشارات علمی که در کتب اندیشمندان علوم قرآنی می‌توان یافت اشاره می‌شود که عبارتند از: رتق و فتق آسمان‌ها و زمین، نقش کوه‌ها در استواری زمین، دشواری تنفس با افزایش ارتفاع و پوشش هوایی حافظ زمین (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۹: ۳۴۲). دیدگاه برخی دانشمندان این است که قرآن در صدر اسلام به مطالب علمی حیرت‌آوری اشاره نموده که در زمان خودش راه یافتن به آن مطالب جز از راه وحیانی میسر نبوده است، خصوصاً برای مردم جاهل آن روز که محروم از انواع علوم بودند، دیدن این مطالب شگفت‌آور بود و به تدریج دانشمندان پرده از اسرار آن علوم برداشته‌اند طوری که بشریت با پیشرفت علم و تحولات آن می‌تواند آنها را درک نماید. این درحالی است که قرآن آن مباحث علمی را ۱۴۰۰ سال پیش به صراحت، یا اشاره، یا اجمال و یا در مواردی با کمی بیان و توضیح، ذکر نموده است. آنها به نمونه‌هایی از آن آیات اشاره کرده‌اند:

۱. «وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ: زمین را گستراندیم و در آن کوه‌های استوار افکندیم و از هر گیاه سنجیده‌ای در آن رویاندیم» (حجر/ ۱۹). آیه شریفه به کوه‌های استوار و پابرجا، سنجیده‌بودن هرچیز در روی زمین اشاره دارد یعنی هرچیزی از اجزایی با وزن مخصوصی است به شکلی که اگر کمی بر آن اضافه شده یا کاسته شود، شی دیگری خواهد شد. ۲. «وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ: و بادها را باردارکننده فرستادیم» (حجر/ ۲۲) که به لقاح بادها اشاره می‌کند. ۳. «وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلْنَا فِيهَا زُجْجِينَ اثْنَيْنِ: و در آن از تمامی میوه‌ها دو جفت آفرید» (رعد/ ۱۳) که اشاره به زوجیت در بین گیاهان است (ر.ک: خوبی، ۱۴۰۱: ۹۱). بنابراین اگر بخواهیم برای استنباط محتوای قرآن، سراغ علم برویم مسیر دشواری در پیش گرفته‌ایم، دلیل آن این است که نظریات علمی حالت ثبات ندارند، ثانیاً اگر با علم دقیق و حتمی توانستیم پاره‌ای از مسائل مبهم را روشن کنیم این کار شایسته است به شرطی که از کلماتی که بوی قطعیت دارد استفاده نکنیم تا اگر در یک زمانی تغییراتی در یک نظریه علمی وضع شد، چهره مقدس قرآن مجید مخدوش نگردد.

۳-۵. جامعیت قرآن

قرآن کریم اعجاب برانگیزترین و ناب‌ترین متن وحیانی و آسمانی است. از جمله مباحث مبنایی مربوط به شناخت قرآن که در چگونگی فهم و تفسیر آن نقش دارد، جامعیت قرآن است که موضوعات مختلف از جمله: علوم، احکام، عقاید، اخلاق، تاریخ و قصص، سیاست و... را نیز شامل می‌شود. بحث در مورد جامعیت قرآن از دیرباز مورد توجه مفسران و قرآن پژوهان بوده است. اصل جامعیت آن توسط آیات و روایات بیان گردیده است. روایاتی نظیر آنچه امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ تَبْيَانَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ وَاللَّهِ مَا تَرَكَ اللَّهُ شَيْئًا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْعِبَادُ حَتَّىٰ لَا يَسْتَطِيعَ عَبْدٌ يَقُولُ لَوْ كَانَ هَذَا أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ - إِلَّا وَقَدْ أَنْزَلَهُ اللَّهُ فِيهِ:

خداوند در قرآن هر چیزی را بیان کرده است به خدا سوگند! چیزی که مورد نیاز مردم بوده است کم نگذاشته، تا کسی نگوید اگر فلان مطلب درست است باید در قرآن نازل می‌شد. آگاه باشید! همه نیازمندی‌های بشر را خدا در آن نازل کرده است» (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج: ۱، ۳۰).

و آیاتی همانند آنچه در سوره‌های مبارکه زمر (زمر/ ۲۷)، یوسف (یوسف/ ۱۱۱)، اعراف (اعراف/ ۵۲) و... آمده است، اما در نوع این جامعیت مفسران هم عقیده نیستند. گروهی قائل به جامعیت مطلق قرآن شده‌اند و نتیجه گرفته‌اند که در قرآن تمام آنچه که می‌توان نوعی ادراک و فهم به آن پیدا نمود، وجود دارد، اگر چه عقل و درک ما از شناختن آن ناتوان است (ر.ک: سیوطی، ۱۳۶۴، ج ۲: ۲۷۵). زرکشی در البرهان و غزالی در احیاء العلوم و گروه دیگری این نظریه را پذیرفته‌اند. عده‌ای دیگر اعتقاد دارند که اگر بحثی از علوم (غیر از علم دین) در قرآن آمده، فقط جنبه تربیتی و هدایتی آن مورد تاکید است (ر.ک: ذهبی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۴۹۸). برخی درباره جامعیت قرآن معتقدند رسالت قرآن منحصر در آراستن انسان به فضایل اخلاقی و دوری او از رذایل نیست؛ زیرا این کتاب علاوه بر جنبه‌های فردی، برای زندگی اجتماعی انسان نیز برنامه دارد. قرآن به مثابه قانون اساسی برای اداره جامعه اسلامی است (ر.ک: معارف و شریعتی نیاسر، ۱۳۹۵: ۶۱). از دیدگاه برخی دیگر ابعاد جامعیت و فراگیری قرآن بدین شرح است: ۱- جامعیت

و فراگیر بودن نسبت به قلمروهای زندگی و این نکته آموز است، کتابی هدایت اقوم دارد که به همه ابعاد بنگرد. ۲ - مورد هدایت قراردادن ابعاد وجودی انسان: فطرت، عقل، غرائز و عواطف. ۳ - فراگیر بودن نسبت به زمان‌ها: قرآن هیچ مرز زمانی نمی‌پذیرد و فراگیر همه زمان‌ها است. ۴ - فراگیری بودن نسبت به مکان‌ها: قرآن چون انسان را بدون توجه به هر مرز نژادی یا جغرافیایی در نظر گرفته، محدود به محیطی نمی‌شود و هیچ مرز جغرافیایی را نمی‌پذیرد (ر.ک: عرفان، ۱۳۷۹: ۱۵۷). البته با تفاوت نوع بینش به جامعیت قرآن، چگونگی تفسیر بسیاری از آیات و در نتیجه، ترسیم محدوده قوانین و رهنمودها و احکام قابل استفاده از قرآن و میزان نقش آفرینی آن در زندگی انسان نیز متفاوت خواهد بود (امامی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۶۵۵). بنابراین قرآن در تمام ابعاد جامعیت دارد، طوری که این جامعیت در شرایع دیگر دیده نمی‌شود؛ زیرا قرآن در زمینه‌های فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، نظامی، اخلاقی، تاریخی و اقتصادی برنامه جامع دارد و جالب این است که نه محدود به زمانی مشخص است و نه مکان خاصی و جوامع انسانی مدیون قرآن و راهنمایی اوست و هیچ‌یک از شرایع و کتب آسمانی چنین ادعایی ندارند و این عظمت و اعجاز قرآن را می‌رساند. بنابراین بر خلاف دوره متقدمان که کمتر به اعجاز محتوایی پرداخته شده بود، یا در دوره متأخران که دانشمندان بیشتری در این مبحث قلم فرسایی نموده بودند، در دوران معاصر پرداختن به مباحث محتوایی در زمینه اعجاز محتوایی قرآن به اوج خود رسیده است؛ عناوینی از قبیل استواری مطالب قرآن، جامعیت قرآن، معارف قرآن و معانی بلند عرفانی، ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که علما در این عصر به اعجاز محتوایی به عنوان یکی از اصلی‌ترین وجه از وجوه اعجاز قرآن مینگرند و علت اینکه در دوران معاصر توجه به اعجاز محتوایی قرآن اوج گرفته است این است که در این دوران بیشتر از هر زمان دیگر، قرآن کریم مورد حجمه‌های انتقادی قرار گرفته، به عنوان مثال برخی از مستشرقان اشکالاتی به قرآن گرفته‌اند و سعی کرده‌اند قرآن را کتابی پرتناقض جلوه دهند، لذا پرداختن به اعجاز محتوایی قرآن در دوران معاصر به دلیل نقش آن در ظاهرسازی معارف قرآن، غنای مطالب آن، نقد شبهات معاصران به ساحت قرآن کریم و دفاع از حریم قرآن در برابر مخالفان، بیشتر شده است. ضمن اینکه توجه کردن به وجوه

محتوایی قرآن، این کتاب را برای همه قومیت‌ها و ملل به اثبات می‌رساند، اما اگر وجه اعجاز را منحصر در فصاحت و بلاغت بدانیم، این نوع اعجاز فقط برای عرب زبان‌ها اثبات شده و سایر ملل از درک اعجاز قرآن عاجز خواهند بود.

نتیجه

با مراجعه به آرای مفسران این نکته اثبات می‌شود که مفهوم اعجاز محتوایی در قرن اول از جانب امام علی علیه السلام مطرح و در قرون بعد شکل بهتر و کامل‌تری به خود گرفته، طوری که در دوره معاصر کمتر مفسری را می‌توان یافت که موضوع اعجاز محتوایی را در تفاسیر مطرح نکرده باشد. به‌طور کلی در دوره متقدمان وجه شاخص و ملموس اعجاز، همان جنبه‌های ادبی بود و خبری از نقدهای محتوایی به قرآن نبود، طبیعی است مفسران کمتر به اعجاز محتوایی توجه نموده‌اند. لذا بیشتر همتشان پرداختن به فصاحت و بلاغت قرآن به عنوان وجهی از اعجاز بود؛ زیرا آنها متخصص در این امر بودند و این جنبه از اعجاز قرآن را بهتر از سایر وجوه درک می‌کردند، اما در دوره متأخران و بخصوص در دوران معاصر که هجسه‌ها علیه محتوای قرآن بیشتر شد، توجه به اعجاز محتوایی هم بیشتر شده است. از جمله مؤلفه‌های اعجاز محتوایی در دوران متقدمان، اخبار از غیب، در دوران متأخران، اختلاف‌ناپذیری، مضامین عالی و در دوران معاصر، اعجاز علمی، معانی بلند عرفانی، معارف قرآن، بطون قرآن، جامعیت قرآن و استواری مطالب قرآن است. دانشمندانی که در مورد اعجاز محتوایی نظریاتی ارائه داده‌اند به ترتیب قرن بدین شرح است:

ردیف	نام مفسر	مذهب	دوره	قرن	ردیف	نام مفسر	مذهب	دوره
۱	جصاص	سنی	متقدم	۴	۱۷	محمد جواد مغنیه	شیعه	معاصر
۲	باقلانی	سنی	متقدم	۵	۱۸	سید قطب	سنی	معاصر
۳	شیخ مفید	شیعه	متقدم	۵	۱۹	بروجردی	شیعه	معاصر
۴	ابن حزم اندلسی	سنی	متقدم	۵	۲۰	خویی	شیعه	معاصر

۵	ابن عطیه	سنی	متقدم	۶	۲۱	مجتبی قزوینی	شیعه	معاصر
۶	طبرسی	شیعه	متاخر	۶	۲۲	محمد تقی شریعتی	شیعه	معاصر
۷	راوندی	شیعه	متاخر	۶	۲۳	طباطبایی	شیعه	معاصر
۸	راغب اصفهانی	سنی	متاخر	۶	۲۴	طالقانی	شیعه	معاصر
۹	فخر رازی	سنی	متاخر	۷	۲۵	خمینی	شیعه	معاصر
۱۰	قرطبی	سنی	متاخر	۷	۲۶	مطهری	شیعه	معاصر
۱۱	بیضاوی	سنی	متاخر	۷	۲۷	معرفت	شیعه	معاصر
۱۲	ابن جزی	سنی	متاخر	۸	۲۸	حسن عرفان	شیعه	معاصر
۱۳	ابوحیان اندلسی	سنی	متاخر	۸	۲۹	سید جعفر سجادی	شیعه	معاصر
۱۴	سیوطی	سنی	متاخر	۱۰	۳۰	جوادی آملی	شیعه	معاصر
۱۵	صدر المتألهین	شیعه	متاخر	۱۱	۳۱	مصباح یزدی	شیعه	معاصر
۱۶	شوکانی	سنی	متاخر	۱۳	۳۲	رضایی اصفهانی	شیعه	معاصر

منابع

۱. قرآن کریم. (۱۳۹۰). ترجمه حسین انصاریان. تهران: انتشارات تلاوت وابسته به سازمان دارالقرآن الکریم.
۲. سید رضی. (۱۳۸۲). نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی. قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام.
۳. آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. تحقیق علی عبدالباری عطیة. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴. آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵ق). روح المعانی. بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۵. ابن جزی، محمد بن احمد. (۱۴۱۶ق). التسهیل لعلوم التنزیل. تحقیق عبدالله خالدی. بیروت: دارالأرقم بن ابی الأرقم.
۶. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی. (۱۴۲۲ق). زاد المسیر فی علم التفسیر. تحقیق عبدالرزاق المهدي. بیروت: دارالکتب العربی.
۷. ابن حزم، علی بن احمد. (۱۴۱۶ق). الفصل فی الملل والأهواء والنحل. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۸. ابن عاشور، محمد بن طاهر. [بی تا]. التحریر والتنویر. بیروت: مؤسسة التاریخ.
۹. ابن عطیة، عبدالحق. (۱۴۲۲ق). المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۰. ابن فارس، احمد. [بی تا]. معجم مقائیس اللغة. قم: مكتبة الأعلام الإسلامی.
۱۱. ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع.

۱۲. ابوالسعود، رفیق. (۲۰۰۱م). *إعجازات حديثة علمیه و رقمیة فی القرآن*. دمشق: دارالمعرفة.
۱۳. ابوالسعود، محمد. (۱۹۲۸م). *إرشاد السليم إلى مزايا القرآن الكريم*. قاهره: المطبعة المصریه.
۱۴. ابوحیان، محمد بن یوسف. (۱۴۲۰ق). *البحر المحیط فی التفسیر*. تحقیق صدقی محمد جمیل. بیروت: دارالفکر.
۱۵. امامی، عبدالنبی. (۱۳۸۹). *فرهنگ قرآن: اخلاق حمیده*. قم: انتشارات مطبوعات دینی.
۱۶. انصاریان، حسین. (۱۳۸۶). *عرفان اسلامی شرح مصباح الشریعه*. قم: دارالعرفان.
۱۷. بابایی، علی اکبر. (۱۳۸۱). *مکاتب تفسیری*. قم: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۱۸. باقلانی، ابوبکر. (۱۴۰۶ق). *إعجاز القرآن*. بیروت: مؤسسة الکتب الثقافیه.
۱۹. بحرانی، هاشم. (۱۴۱۵ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*. قم: مؤسسة البعثة، مرکز الطباعة والنشر.
۲۰. بروجردی، سید ابراهیم. (۱۳۶۶). *تفسیر جامع*. تهران: انتشارات صدر.
۲۱. بغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۲۰ق). *معالم التنزیل*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۲. بلاغی، محمد جواد. (۱۴۲۰ق). *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*. قم: بنیاد بعثت.
۲۳. بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق). *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*. تحقیق محمد عبدالرحمن المرعشلی. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۴. تجلیل تبریزی، ابوطالب. (۱۴۱۷ق). *معجم المحاسن و المساوی*. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۲۵. جصاص، احمد بن علی. (۱۴۰۵ق). *أحكام القرآن*. تحقیق محمد صادق قمحاوی. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

۲۶. جعفری، یعقوب. (۱۳۷۶)، تفسیر کوثر. قم: مؤسسه انتشارات هجرت.
۲۷. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۴). قرآن در قرآن. قم: نشر اسراء.
۲۸. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶). سرچشمه اندیشه. قم: مرکز بین المللی نشر اسراء.
۲۹. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۸). تسنیم. قم: مرکز بین المللی نشر اسراء.
۳۰. حوی، سعید. (۱۴۲۴ق). الأساس فی التفسیر. قاهره: دارالسلام.
۳۱. خطابی، ابوسلیمان محمدبن ابراهیم. [بی تا]. بیان إعجاز القرآن. مصر: دارالمعارف.
۳۲. خمینی، سیدروح الله. (۱۳۷۲). آداب الصلاة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته.
۳۳. خمینی، سیدروح الله. (۱۳۶۴). صحیفه نور. تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۳۴. خمینی، سیدروح الله. (۱۳۷۱). جلوه های رحمانی. تهران: معاونت فرهنگی بنیاد شهید.
۳۵. خمینی، سیدروح الله. (۱۳۷۸). کشف الأسرار. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته.
۳۶. خویی، سیدابوالقاسم. (۱۴۰۱ق). البیان فی تفسیر القرآن. [بی جا]: أنوار الهدی.
۳۷. دراز، محمدبن عبدالله. (۱۴۲۶ق). النبأ العظیم. [بی جا]: دارالقلم للنشر والتوزیع.
۳۸. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۹. دهقان، اکبر. (۱۳۸۶). نسیم رحمت. قم: انتشارات حرم.
۴۰. ذهبی، محمدحسین. (۱۳۸۱). التفسیر والمفسرون. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۶ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دارالعلم.
۴۲. راوندی، سعیدبن هبه الله. (۱۴۰۹ق). الخرائج والجرائح. قم: مؤسسه امام مهدی (عج).
۴۳. رشیدرضا، محمد. (۱۹۹۰م). تفسیر المنار. مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب.
۴۴. رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۱). پژوهشی در اعجاز علمی قرآن. رشت:

انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.

۴۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۷). تفسیر قرآن مهر. قم: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.

۴۶. رمانی، علی بن عیسی. (۱۹۵۵م). النکت فی إعجاز القرآن. مصر: دارالمعارف.

۴۷. رهنما، زین العابدین. (۱۳۴۹). ترجمه قرآن. تهران: انتشارات کیهان.

۴۸. زحیلی، وهبه بن مصطفی. (۱۴۱۸ق). التفسیر المنیر فی العقیدة والشریعة والمنهج. بیروت: دارالفکر المعاصر.

۴۹. زرقانی، محمد عبدالعظیم. (۱۳۸۵). مناهل العرفان فی علوم القرآن. ترجمه محسن آرمین. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۵۰. زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله. (۱۹۵۷م). البرهان فی علوم القرآن. بیروت: دار احیاء الکتب العربیه.

۵۱. زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. بیروت: دارالکتب العربیه.

۵۲. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله. (۱۴۰۶ق). الجدید فی تفسیر القرآن المجید. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.

۵۳. سجادی، سید جعفر. (۱۳۷۳). فرهنگ معارف اسلامی. [بی جا]: انتشارات کوروش.

۵۴. سیوطی، جلال الدین. (۱۴۰۸ق). معرک الإقران فی إعجاز القرآن. بیروت: دارالکتب العلمیه.

۵۵. سیوطی، جلال الدین. (۱۴۲۱ق). الإقتان فی علوم القرآن. بیروت: دارالکتب العربیه.

۵۶. شربینی، محمد. [بی تا]. السراج المنیر فی الإعانه علی معرفة بعض معانی کلام ربنا الحکیم. قاهره: المطبعة المصریه.

۵۷. شریعتی، محمد تقی. (۱۳۴۶). تفسیر نوین. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۵۸. شعراوی، محمد متولی. (۱۳۸۷). معجزة القرآن. قم: تبیان.

۵۹. شوکانی، محمدبن علی. (۱۴۱۴ق). فتح القدير. بيروت: دارالكلم الطيب.
۶۰. صدرالمتألهين شيرازي، محمدبن ابراهيم. (۱۳۶۶). تفسير القرآن الكريم. قم: انتشارات بيدار.
۶۱. طالقانی، سيد محمود. (۱۳۸۹). پرتوی از قرآن. تهران: مؤسسه مطالعات تاريخ معاصر ايران.
۶۲. طباطبائی، محمدحسين. (۱۴۱۷ق). الميزان في تفسير القرآن. قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسين حوزه علميه.
۶۳. طبرسی، فضل بن حسن. [بی تا]. مجمع البيان لعلوم القرآن. بيروت: دارالمعرفه.
۶۴. طهاوی، علی احمد عبدالعال. (۱۴۲۵ق). عون الحنان فی شرح الأمثال فی القرآن. بيروت: دارالکتب العلميه.
۶۵. طوسی، محمدبن حسن. [بی تا]. التبيان في تفسير القرآن. تحقيق احمد قصير عاملي. بيروت: دار إحياء التراث العربي.
۶۶. عرفان، حسن. (۱۳۷۹). اعجاز در قرآن کریم. تهران: دفتر مطالعات تاريخ و معارف اسلامي.
۶۷. علم الهدی، سيد مرتضی. (۱۳۸۲). الموضح عن جهة إعجاز القرآن. تحقيق محمدرضا انصاری قمی. مشهد: بنياد پژوهش های آستان قدس رضوی.
۶۸. فخر رازی، محمدبن عمر. (۱۴۲۰ق). تفسير كبير. تهران: دارالکتب العلميه.
۶۹. فخر رازی، محمدبن عمر. (۱۹۸۹م). نهاية الايجاز في دراية الإعجاز. قاهره: المكتب الثقافى.
۷۰. فيروزآبادی، مجدالدين محمدبن يعقوب. [بی تا]. بصائر ذوی التمييز في لطائف الكتاب العزيز. مصر: المجلس الأعلى للشئون الإسلاميه لجنة إحياء التراث الإسلاميه.
۷۱. فيض كاشاني، محمدبن شاه مرتضى. (۱۴۱۸ق). علم اليقين. قم: انتشارات بيدار.
۷۲. قاسمی، محمد جمال الدين. (۱۴۱۸ق). محاسن التأويل. بيروت: دارالکتب العلميه.
۷۳. قرشی، سيد علی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الإسلاميه.

۷۴. قرضاوی، یوسف. (۱۳۸۲). قرآن منشور زندگی. ترجمه عبدالعزیز سلیمی. تهران: نشر احسان.
۷۵. قرطبی، محمد. (۱۴۰۸ق). الجامع لأحكام القرآن. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۷۶. قزوینی خراسانی، مجتبی. (۱۳۴۰). بیان الفرقان فی توحید القرآن. قم: [بی‌نا].
۷۷. کمالی دزفولی، علی. (۱۳۷۰). شناخت قرآن. تهران: نشر اسوه.
۷۸. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: مؤسسة الوفاء.
۷۹. مراغی، احمد بن مصطفی. [بی‌تا]. تفسیر المراغی. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۸۰. مرکز فرهنگ و معارف قرآن. (۱۳۸۲). دایرة المعارف قرآن کریم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۸۱. مصباح یزدی، محمدتقی. [بی‌تا]. معارف قرآن. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۸۲. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۶). مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا.
۸۳. معارف، مجید و حامد شریعتی نیاسر. (۱۳۹۵). ارتباط نهج البلاغه با قرآن. تهران: انتشارات سمت.
۸۴. معتزلی، عبدالجبار. [بی‌تا]. المغنی فی أبواب التوحید والعدل. [بی‌جا]: [بی‌نا].
۸۵. معرفت، محمدهادی. (۱۳۷۹). تفسیر و مفسران. قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.
۸۶. معرفت، محمدهادی. (۱۳۹۱). علوم قرآنی. قم: مؤسسه فرهنگی تمهید.
۸۷. معرفت، محمدهادی. (۱۴۲۸ق). تلخیص التمهید. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۸۸. مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۴ق). تفسیر الکاشف. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۸۹. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۳). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۹۰. ملکی، محمدباقر. (۱۴۰۰ق). مناهج البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسة الوفاء.
۹۱. نیشابوری، نظام‌الدین حسن بن محمد. (۱۴۱۶ق). تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان. بیروت: دارالکتب العلمیه.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی